Original Article **Open Access**

Health Law Journal

2023; 1(1): e30

International ThinkTank of Human Dignity | The Bioethics and Health Law Institute | The Iranian Association of Medical Law

Dissolution of Artificial Fertility Contracts in Iranian Law; Feasibility and Challenges

Samaneh Fakhreddin[1]

1. Department of Family Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Branch of Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: One of the most important issues related to couples' artificial insemination contracts is whether or not these contracts can be dissolved by one of the legal reasons, i.e. termination, rescission or dissolution. The specific question in this research is whether or not these contracts can be liquidated and if liquidation is possible, what are the rights and obligations of the parties to this contract?

Methods: The current type of research is fundamental, its approach is descriptive-analytical, its method is library study and the means of gathering materials in it is surveying.

Ethical Considerations: Due to the library nature of the research and the lack of direct involvement with human samples, this article has adhered to scientific ethics within theoretical limits.

Results: In response to this result, it should be mentioned that in the stage before the transfer of the embryo with the termination of the contract, the center is entitled to the amount of the obligations that it has fulfilled until the termination of the contract, except in cases where the termination of the contract is attributed to the center. Also, the surrogate mother is also entitled to receive various expenses that she has incurred, except in cases where the termination of the contract is attributed to the will of the surrogate mother or her wife. On the other hand, in the stage before the transfer of the embryo, the center, regardless of whether the gametes or the laboratory embryos are owned, will return them to the owners of the right of dominion (genetic parents) as far as possible, except in cases where it is faced with an ethical obstacle. In the post-embryo transfer stage, in addition to the center's entitlement to the remuneration for its actions, the surrogate mother is entitled to receive the above-mentioned costs. At this stage, the dissolution of the contract is associated with abortion and for example, the termination of the contract happens by consenting the beneficiary (genetic mother or surrogate mother) to the abortion in cases of therapeutic abortion and eliminating the subject of the contract, which It is only for in vitro fertilization contracts, including pregnancy surrogacy contracts.

Conclusion: the effects of termination of surrogacy contract in pregnancy in the post-embryo transfer stage will be more limited than the pre-transfer stage, because the return of the transferred embryo to the uterus at this stage, unlike the pre-transfer stage, is basically excluded.

Keywords: Artificial Insemination; Artificial Insemination Contracts; General Rules of Contracts; Iranian Law; Liquidation

Corresponding Author: Samaneh Fakhreddin; **Email:** fakhreddin.samaneh@yahoo.com

Received: October 21, 2023; **Accepted:** January 02, 2024; **Published Online:** March 18, 2024

Please cite this article as:

Fakhreddin S. Dissolution of Artificial Fertility Contracts in Iranian Law; Feasibility and Challenges. Health Law Journal. 2023; 1(1): e30.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق سلامت

دوره اول، شماره اول، ۱۴۰۲

انحلال قراردادهای باروری مصنوعی در حقوق ایران؛ امکان‌سنجی و چالش‌ها

سمانه فخرالدین[۱]

۱. گروه حقوق خانواده، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مهم‌ترین مسائلی که پیرامون قراردادهای باروری مصنوعی زوجین مطرح است، قابلیت و عدم قابلیت انحلال این قراردادها به یکی از موجبات قانونی، یعنی فسخ، انفساخ یا تفاسخ است؟ سؤال مشخص در این تحقیق، این است که آیا اساساً این قراردادها قابلیت انحلال را دارند یا خیر و در صورت امکان انحلال، وضعیت حقوق و تکالیف طرفین این قرارداد نسبت به یکدیگر چیست؟

ملاحظات اخلاقی: با توجه به کتابخانه‌ای‌بودن پژوهش و عدم درگیری مستقیم با نمونه‌های انسانی، این مقاله در حدود نظری به اخلاق علمی پایبند بوده است.

روش: نوع تحقیق حاضر، بنیادی، رویکرد آن، توصیفی ـ تحلیلی، روش انجام آن، مطالعه کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری مطالب در آن، فیشبرداری است.

یافته‌ها: در مرحله پیش از انتقال جنین با انحلال قرارداد، مرکز تا آن میزان از تعهداتی که تا زمان انحلال قرارداد ایفا نموده، مستحق عوض (اجرت‌المثل) است، مگر در مواردی که انحلال قرارداد منتسب به مرکز باشد. همچنین مادر جانشین نیز مستحق دریافت هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده است، می‌باشد، مگر در مواردی که انحلال قرارداد منتسب به اراده مادر جانشین یا همسرش باشد. در نقطه مقابل، مرکز در مرحله پیش از انتقال جنین، نظر به مال‌انگاشتن گامت‌ها یا جنین آزمایشگاهی تا جایی که امکان دارد آن‌ها را به صاحبان حق سلطه (والدین ژنتیکی) مسترد می‌نماید، مگر در مواردی که با مانع اخلاقی مواجه باشد. در مرحله پس از انتقال جنین نیز علاوه بر استحقاق مرکز بر اجرت‌المثل اقدامات خود، مادر جانشین مستحق دریافت هزینه‌های فوق‌الذکر است. در این مرحله، انحلال قرارداد با سقط جنین ملازمه دارد و به عنوان نمونه، فسخ قرارداد با رضایت‌دادن ذی‌حق (حسب مورد مادر ژنتیکی یا مادر جانشین) به سقط جنین در موارد سقط درمانی و از بین‌بردن موضوع قرارداد اتفاق می‌افتد که این امر فقط مخصوص قراردادهای باروری آزمایشگاهی از جمله قرارداد جانشینی در بارداری است.

نتیجه‌گیری: آثار ناشی از انحلال قرارداد جانشینی در بارداری در مرحله پس از انتقال جنین تابعیت محدودتری نسبت به مرحله پیش از انتقال خواهد داشت، چراکه استرداد جنین انتقال‌یافته به رحم در این مرحله، برخلاف مرحله پیش از انتقال اساساً منتفی است.

واژگان کلیدی: باروری مصنوعی؛ قراردادهای باروری مصنوعی؛ قواعد عمومی قراردادها؛ حقوق ایران؛ انحلال‌پذیری

نویسنده مسئول: سمانه فخرالدین؛ **پست الکترونیک:** fakhreddin.samaneh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۱۰/۱۲؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Fakhreddin S. Dissolution of Artificial Fertility Contracts in Iranian Law; Feasibility and Challenges. Health Law Journal. 2023; 1(1): e30.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

ناباروری زوجین، امروزه یکی از معضلات مهمی است که می‌تواند حتی به پایان بسیاری از زندگی‌های مشترک منتهی شود. بنا بر مصلحت‌هایی که قابل توجه هستند، در روزگار معاصر، راه باروری مصنوعی، به منظور رفع این معضل، به اجرا درمی‌آید که در نوع خود، مخالفان سرسختی نیز دارد. با این حال، ظاهراً بنا بر اینکه هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای بر وقوع زنا و ایجاد نطفه ناشی از رابطه نامشروع در باروری‌های مصنوعی وجود ندارد، غالب حقوقدانان و فقها به پذیرش صحت و مشروعیت قراردادهای ناباروری مصنوعی، قائل و ترغیب شده‌اند. با این حال، یکی از مسائل مهم مطرح پیرامون این قراردادها امکان یا عدم امکان انحلال آن‌هاست که موافقان و مخالفان بسیاری دارد. در عین حال، در صورت پذیرش انحلال‌پذیری این قراردادها آثار و احکام مهمی از این امر، حاصل می‌شود که کمتر مورد بحث و بررسی بوده‌اند. بر این اساس، در پژوهش حاضر، ابتدا امکان انحلال (انحلال‌پذیری) این قراردادها و پس از آن، آثار و احکام حاصل از انحلال این قراردادها مورد مطالعه بوده است.

روش

نوع تحقیق حاضر، بنیادی، رویکرد آن، توصیفی ـ تحلیلی، روش انجام آن، مطالعه کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری مطالب در آن، فیشبرداری است.

یافته‌ها

آثار ناشی از انحلال قرارداد جانشینی در بارداری در مرحله پس از انتقال جنین تابعیت محدودتری نسبت به مرحله پیش از انتقال خواهد داشت، چراکه استرداد جنین انتقال‌یافته به رحم در این مرحله، برخلاف مرحله پیش از انتقال اساساً منتفی است.

بحث

۱. دلایل موافقان و مخالفان انحلال‌پذیری قراردادهای باروری مصنوعی در حقوق ایران: قرارداد رحم جایگزین یا باروری مصنوعی یا مادر جانشینی، مانند هر قرارداد دیگری، از یک دسته اصول کلی پیروی می‌کند و همچنین واجد قواعدی اختصاصی و متناسب با کارکرد و موضوع خود است. قرارداد رحم جایگزین به عنوان یک عقد توسط خیارات قانونی و تراضی طرفین قابل انحلال است. اگر این گزاره را بپذیریم، آگاه باید گفت این قرارداد از قواعد عمومی تبعیت می‌کند، ولی اگر چنین گزاره‌ای را نپذیریم، باید در جستجوی وجه ممیزه‌ای برای این قرارداد نسبت به قراردادهای دیگر باشیم.

قراردادهای مربوط به باروری مصنوعی قراردادهای بی‌نام هستند که صحت و مشروعیت آن‌ها داخل در قلمرو ماده ۱۰ قانون مدنی است. این قراردادها از آنجا که تحت عنوان عقد خاصی قابل توصیف نیستند، تابع احکام عقد خاصی نیز نخواهند بود، ولی از آنجا که می‌توانند مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی باشند، از حیث لزوم و جواز، بر اساس ماده ۱۲۷ قانون مدنی و قاعده اولی موجود در تمام عقود، لازمند مگر اینکه صراحتاً استثنایی در این زمینه قابل ذکر باشد. این‌گونه قراردادها با حقوق مربوط به شخصیت انسان ارتباط کامل دارند و در این زمینه در کشورمان نصّ صریح قانونی وجود ندارد، هرچند ماهیت حقوقی این‌گونه قراردادها با هیچ کدام از عقود معین در قانون مدنی با وجود شباهت با بعضی از آن‌ها منطبق نیست، ولی به نظر می‌رسد این‌گونه قراردادها بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی صحیح و لازم‌الاجرا می‌باشند. در لازم یا جایزبودن قرارداد رحم جایگزین با توجه به قاعده فقهی «اصاله اللزوم» که ماده ۲۱۹ قانون مدنی مؤید این امر می‌باشد؛ اصل بر لزوم قراردادها خصوصی می‌باشد به غیر آنچه قانون تصریح به جایزبودن آن‌ها نموده است و عقد برای متعاملین لازم‌الاتباع است و امکان فسخ عقد، امری استثنایی و برخلاف اصل است (۱).

بنابراین همه قراردادای خصوصی به جز موارد مصرحه در خود قانون را باید از جمله عقود لازم به شمار آورد، در نتیجه

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

قرارداد رحم جایگزین از این حیث در زمره قراردادهای لازم می‌باشد و طرفین آن باید به تعهدات مندرج در این قرارداد پایبند باشند و آن‌ها را ایفا نمایند.

به نظر می‌رسد قرارداد مادر جانشین یک قرارداد مستقل با مقتضا و آثار مخصوص به خود می‌باشد. مقتضای اصلی قرارداد مزبور تعهد مادر جانشین بر حمل جنین به نفع زوجین متقاضی و تسلیم طفل پس از وضع حمل به آن‌ها می‌باشد که ممکن است به صورت معوّض یا غیر معوّض (نوع‌دوستانه) انجام شود. با عنایت به مطالب فوق، در حقوق ایران این‌گونه توافقات از نوع عقود بی‌نام بوده و در چارچوب آیه «أفوا بالعقود» و ماده ۱۰ قانون مدنی قابل تحلیل و بررسی است. طبق ماده ۱۰ قانون مدنی: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.» قرارداد مادر جانشین مخالف و تعارضی با هیچ یک از نصّ‌های قانونی ندارد. بنابراین می‌توان گفت قرارداد رحم جایگزین یک قرارداد خصوصی پذیرفته‌شده بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی می‌باشد.

از سوی دیگر، اساساً در بحث از اینکه آیا قراردادهای باروری مصنوعی، قابل انحلال هستند یا خیر، دو رویکرد کلی وجود دارد: رویکرد اول، رویکرد نفی‌گرایانه که همان رویکرد قائل به عدم انحلال‌پذیری است؛ رویکرد دوم، رویکرد اثبات‌گرایانه که همان رویکرد قائل به انحلال‌پذیری است. رویکرد اول، قائل به عدم امکان انحلال این قراردادها و رویکرد دوم، قائل به امکان انحلال آن‌هاست. رویکرد اول، معتقد است این قراردادها از آنجا که ماهیت توافق اراده‌ها برای خلق آثار حقوقی را دارند، همانند دیگر قراردادها قابل انحلال هستند و این انحلال می‌تواند به صورت فسخ یا انفساخ صورت گیرد، هرچند در مورد تفاسخ (اقاله)، مقاومت‌هایی وجود دارد.

۱-۱. رویکرد قائل به انحلال‌پذیری: بر اساس این رویکرد، در مرحله پیش از انتقال جنین، قرارداد به واسطه موجبات متعددی از جمله فوت طرفین و یا انحلال شخص حقوقی، محجوریت، طلاق، تغییر جنسیت، تلف قهری موضوع قرارداد و درج شرط فاسخ منفسخ می‌گردد و در مرحله پس از انتقال جنین، تنها موجب انفساخ قرارداد، بلاموضوع‌شدن قرارداد است که به واسطه سقط جنین رخ می‌دهد، فلذا مصادیق انفساخ قرارداد جانشینی در بارداری در مرحله پیش از انتقال جنین به رحم به مراتب بسیار گسترده‌تر از پس از انتقال جنین خواهد بود (۲). این رویکرد، قراردادهای جانشینی در بارداری یا بارداری مصنوعی را از آن جهت که عنوان قرارداد بر آن‌ها حاکم و صادق است، مشمول همه قواعد و احکام ناظر بر قراردادها از حیث قابلیت انحلال می‌داند و معتقد است از آنجا که در تشکیل این قراردادها، اراده‌های انشایی مداخله داشته‌اند، در انحلال و پایان حیات آن‌ها هم همان اراده‌های انشایی می‌توانند مداخله داشته و تصمیم به انحلال بگیرند. در واقع، اصل حاکمیت اراده که مبنای تحقق و تشکیل و به وجودآمدن این قراردادها بوده، اینک می‌تواند مستند و مبنایی برای پایان‌دادن به این قراردادها باشد.

۱-۲. رویکرد قائل به عدم انحلال‌پذیری: اما رویکرد دوم بر این مبنا استوار است که در قرارداد رحم جایگزین، تمامی اوصاف برای حکمی تلقی‌کردن لزوم این قراردادها فراهم است: نخست اینکه این قرارداد در حقوق فرزند و که در توافق والدین حکمی و مادر جانشین حضور ندارد، مؤثر است؛ در ثانی، وجود حقوق ثالث در عقد یکی از مواردی است که امکان انحلال توافق را محدود می‌نماید (۳).

از سوی دیگر، برخی رویکردهای دیگر نیز در زمانه معاصر مطرح هستند که تحت تأثیر آموزه‌های حقوق بشری و اخلاقی (۴)، اساساً امکان انحلال قراردادهای باروری مصنوعی را نپذیرفته و دایرمدار این مقوله شکل گرفته و مورد تأکید قرار گرفته‌اند که به سبب لزوم رعایت حقوق جنینی که خود، هیچ نقشی در تشکیل خود نداشته و ایجاد او مبتنی بر اراده دیگران بوده، باید قائل به عدم انحلال‌پذیری این قراردادها بود (۵). در همین رابطه، برخی از اساتید معتقدند که بررسی برهم‌زدن قرارداد رحم جایگزین در قالب اقاله، فسخ ناشی از اعمال خیار شرط، خیار تخلف وصف و خیار تخلف فعل نشان می‌دهد که اقاله یا فسخ این قرارداد از سوی هریک از اطراف مؤثر در آن پس از شانزده هفتگی که جنین دارای روح

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

می‌شود، در هیچ صورت جایز نیست. برهم‌زدن قرارداد از هفته صفر تا هفته شانزدهم تنها در صورتی امکان دارد که جنین را در این فاصله زمانی، شخص انسانی ندانیم (۶).

۲. محدودیت‌ها و چالش‌های فراروی انحلال قراردادهای باروری: با وجود نظریاتی دال بر امکان انحلال قراردادهای باروری مصنوعی، برخی تحلیل‌ها دایرمدار عدم امکان انحلال این قراردادها مطرح شده است. از این موارد می‌توان تحت عنوان چالش‌های فراروی انحلال این قبیل قراردادها یاد کرد. در این قسمت، به این موارد خواهیم پرداخت. نظر می‌رسد بتوان این محدودیت‌ها را عبارت دانست از: نظم عمومی، اخلاق حسنه، مصلحت جنین و مسئولیت قهری و غیر قراردادی در ارتباط با قراردادهای ناباروری. در ادامه، این موارد را بررسی می‌کنیم.

۲-۱. نظم عمومی: در تعریف نظم عمومی چنین آمده است: «در حقوق داخلی، نظم عمومی شامل قواعد و سازمان‌هایی است که غرض از وضع و ایجاد آن‌ها حفظ منافع عمومی و تأمین حسن جریان امور عمومی (امور اداری و سیاسی و اقتصادی) و حفظ کیان نهاد خانواده است و اراده افراد نیز نمی‌تواند آن‌ها را نقض کند. به عبارت دیگر، در حقوق داخلی، نظم عمومی، شامل آن دسته از قواعدی است که اصطلاحاً قواعد آمره نامیده می‌شوند اهم از اینکه قواعد مزبور، به حقوق خصوصی مربوط باشند و یا به حقوق عمومی.

حال سؤال می‌تواند این باشد که آیا قراردادهای ناباروری، هیچ یک از قواعد امری را مورد تعرض قرار می‌دهد تا قائل به بطلان این قبیل قراردادها باشیم یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال باید بین دو فرض، قائل به تفکیک شد: فرض اول در مورد خود تعهدات مادر جانشین است؛ فرض دوم در مورد ارتباط این نهاد با دیگر نهادهای حقوقی است. در مورد اصل این نهاد حقوقی باید گفت برخی از حقوقدانان معتقدند از آنجا که در شرایط کنونی، قانونی خاص یا رأی وحدت رویه‌ای وجود ندارد که تعهد مادر جانشین دایر بر حمل جنین و به دنیاآوردن بچه برای دیگری و یا پرداخت عوض در این رابطه را ممنوع اعلام کرده باشد و همچنین در مورد این‌گونه تعهدات نیز اصولاً بابی در قانون ایجاد نشده که بتوان از روح و مفهوم آن مطلبی استخراج کرد، در نتیجه می‌توان حکم به جواز و صحت این قبیل قراردادها نمود. با این حال، این ایراد مطرح می‌شود که مادر جانشین با انعقاد و اجرای عقد به شخصیت جسمی خود تعرض کرده و تا حدی نیز از خود سلب حریت کرده است. در این‌باره می‌توان گفت این مقدار تعرض و سلب حریت از خود با مانعی مواجه نیست؛ در مورد فرض دوم، قرارداد مزبور با نهاد حقوقی خانواده در ارتباط است. این قرارداد از طریق ارتباط با تأسیس حقوقی خانواده، با تأسیسات حقوقی عرفی مانند زوجیت، حضانت، نسب و... ارتباط پیدا می‌کند. در مورد زوجیت باید گفت در صورتی که زن دارای شوهر باشد، قرارداد جانشینی هیچ‌گونه منافاتی با متقضای ذات عقد نکاح بین زن اجاره‌دهنده و شوهر وی و همینطور مبانی خانواده در رابطه فیمابین ندارد. ممکن است گفته شود که قرارداد مزبور در صورتی که بدون اجازه شوهر منعقد گردد، به حقوق شوهر در رابطه با تمکین همسرش یا ریاست شوهر بر خانواده خلل وارد می‌کند. در پاسخ می‌توان گفت علاوه بر اینکه قانونگذار در حقوق خانواده، از این حقوق شوهر حمایت به عمل آورده، از راهکارهای دیگری مانند تدوین مقرراتی دایر بر لزوم اجازه کتبی شوهر که به تأیید مراجع رسمی رسیده باشد، می‌توان از حقوق شوهر مادر جانشین حمایت کرد. در مورد تعارض قرارداد جانشینی در بارداری با نهاد حقوقی نسب نیز باید گفت این امر بستگی به این دارد که از نظر شرعی، قائل به جواز یا عدم جواز استفاده از رحم جایگزین باشیم که در این زمینه باید گفت اکثر فقها با آن موافقند. حقوقدانانی هم که نظر به بطلان قرارداد مادر جانشینی دارند، معتقدند که در این حالت، زنا وجود ندارد، زیرا زنا با نزدیکی ملازمه دارد. نسب بچه در حالت فوق مشروع بوده یا ملحق به نسب مشروع است، مانند نسب ناشی از شبهه. از سوی دیگر، قرارداد جانشینی در بارداری، با نهاد حقوقی حضانت نیز ارتباط می‌یابد، زیرا یک قسمت از تعهد مادر جانشین، در ارتباط با تحویل نوزاد به والدین ژنتیکی او می‌باشد. قانون مدنی، مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ را به بحث حضانت اختصاص داده است. در ماده ۱۱۶۸ قانونگذار، حضانت را هم حق و هم تکلیف والدین

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

می‌داند که به اعتقاد برخی، با دقت در مواد بعدی، جنبه تکلیفی آن پررنگ‌تر است و یکی از نتایج تکلیفی‌بودن حضانت، آن است که والدین نمی‌توانند این امر را به شخص دیگری واگذار کنند. با توجه به این نکته، این سؤال مطرح می‌شود که آیا زنی که بچه را در رحم خود نگهداری کرده و به دنیا می‌آورد، می‌تواند توافق کند که آن را به افراد دیگر بدهد و آیا این امر، مغایر با قواعد مربوط به حضانت نیست؟ پاسخ به این سؤال به نوبه خود، به سؤال دیگری بازمی‌گردد که مادر این طفل چه کسی است؟ در تعیین نسب مادری این طفل، از قانون مدنی نمی‌توان حکمی به دست آورد و در این صورت، ناگزیر از مراجعه به منابع فقهی و نظرات فقها می‌باشیم. در این زمینه، با توجه به نظر فقها و حقوقدانان سه نظر کلی مطرح است: ۱ـ زن صاحب تخمک مادر طفل محسوب می‌شود؛ ۲ـ زن صاحب رحم، مادر است؛ ۳ـ هر دو زن را باید مادر دانست.

کسانی که زن صاحب رحم را مادر طفل می‌دانند، به آیه ۲ سوره مجادله استناد کرده‌اند که می‌فرماید: «مادران شما جز آن‌هایی نیستند که شما را به دنیا آورده‌اند» و نتیجه می‌گیرند که در فرض مورد نظر نیز مادر طفل، زن صاحب رحم است. برخی فقها ازجمله آیتا... تبریزی و آیتا... سیدمحمد موسوی بجنوردی نیز قائل به این نظر می‌باشند، ولی این استدلال با پاسخ‌هایی مواجه شده است، از جمله اینکه این آیه در مقام رد نظر کسانی است که می‌پنداشته‌اند با ظهار زنان ایشان بر آن‌ها حرام ابدی می‌شوند. خداوند در این آیه می‌فرماید صرف ظهار سبب نمی‌شود که همسر مرد، مادر وی به شمار آید، زیرا مادر او زنی است که او را به دنیا آورده است، البته یادآوری این ویژگی مادر (زاده‌شدن طفل از او) بدین‌سبب است که کودک را بیشتر مادر می‌زاید و حتی می‌توان گفت که در آن زمان بیشتر چنین بوده است.

در پاسخ دیگری چنین آمده است: «ممکن است ولدنهم به معنی زایمان نباشد، چراکه نظیر این آیه را در مورد پدر هم داریم «و والد و ماولد» که نمی‌توان آن را بر زایمان حمل کرد. بنابراین شاید مراد آیه سوره مجادله، زایمان نباشد، بلکه کسی باشد که بچه از او ناشی شده است.» به نظر برخی دیگر نیز فقها این آیه را در صورت وقوع زنا روا دانسته و زن زناکار را مادر جنین نامشروع می‌دانند، اما نمی‌پذیرند که زن اجاره‌ای نیز مشمول این آیه باشد. در هر صورت، با استناد به این آیه نمی‌توان نسب مادری را برای این زن اثبات نمود.

برخی از نویسندگان با توجه به ارتباطی که این طفل با هر یک از دو زن دارد، هر دو را مادر طفل دانسته و معتقدند: «مانعی ندارد که طفل در آن واحد دارای دو رابطه مادری باشد، چراکه این رابطه‌ها، اعتباری هستند و در عالم اعتبار، می‌توان دو رابطه را با هم برقرار کرد.» از بین فقها نیز آیتا... موسوی اردبیلی، قائل به این عقیده هستند.

ولی بسیاری از فقها و حقوقدانان، زن صاحب تخمک را به دلیل اینکه این کودک از تخمک وی تشکیل شده، مادر طفل محسوب می‌کنند، هرچند معتقدند که بین طفل و زن صاحب رحم نیز ارتباطی در حد مادر رضاعی برقرار است. در بین فقها نیز حضرات آیات بهجت، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و برخی دیگر، اعتقاد به چنین امری دارند. مجمع فقه اهلبیت نیز در استفتایی که از آن شده، همین نظر را ارائه نموده است، در نتیجه با توجه به نظر اکثر فقها و نویسندگان حقوقی، زن صاحب تخمک مادر طفل تلقی شده و این تعهد مادر جانشین نیز تعارضی با قوانین مربوط به حضانت ندارد.

۲-۲. اخلاق حسنه: در تعریف اخلاق حسنه چنین آمده است: «اخلاق حسنه در هر قوم، ترکیبی از رسوم اجتماعی و تعلیم‌های مذهبی و داوری‌های عقلی است که وجدان عمومی جامعه را تشکیل می‌دهد.» موضوع قرارداد جانشینی در بارداری که عبارت از تعهد به پذیرش و نگهداری و حمل جنین متعلق به دیگری است، از نظر احساسات مشترک مردم، واکنش مشترکی ندارد. عده‌ای از مردم، آن را از لحاظ اخلاقی ناپسند و عده دیگری بدون اشکال می‌دانند، ولی با توجه به اینکه قواعد اخلاقی در کشور ما ریشه مذهبی دارد، در صورت پذیرش مشروعیت این عمل و نداشتن حرمت از نظر تکلیفی، می‌توان گفت که اعتقادات عمومی روند مساعدی در رابطه با این عمل به خود بگیرد، به طوری که بتوان اظهار نظر نمود که

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

این عمل، خلاف اخلاق حسنه نمی‌باشد. هدف مادر جانشین نیز در ارزیابی اخلاقی عمل او مؤثر است. در مورد انگیزه تجاری یا غیر تجاری مادر جانشین، می‌توان این نکته را یادآوری نمود که صرف معوض‌بودن قرارداد جانشینی نمی‌تواند سبب نامشروعیت جهت و در نتیجه بطلان قرارداد باشد، در نتیجه می‌توان گفت از آنجا که قرارداد جانشینی نه از حیث موضوع و نه از حیث هدف، تعارضی با قواعد اخلاقی ندارد و حکم به مخالفت آن با اخلاق حسنه، دشوار است (۷).

۲-۳. مصلحت جنین: به نظر می‌رسد مصلحت جنین را باید یکی از مهم‌ترین مولفه‌های مورد توجه در ارتباط با قراردادهای ناباروری دانست. در واقع باید این‌گونه فرض کرد که نتیجه و ماحصل انعقاد قرارداد جانشینی در بارداری، تولد طفل است و این طفل به عنوان یک انسان، از حقوق و امتیازات یک انسان کامل برخوردار است و مصلحت وی اقتضا می‌کند که جهات و شروطی که به نحوی موجب برهم‌خوردن تعادل و توازن و یا اساساً موجب بطلان قرارداد جانشینی در بارداری می‌شود، اساساً نامعتبر قلمداد شوند، زیرا این امور، در نهایت، برخلاف غبطه و مصلحت طفل حاصل از این حالت بارداری و زایمان، خواهند بود.

اهدای گامت یا اهدای جنین به زنان نابارور و متقاضی دریافت جنین اهدایی از نظر حقوقی آثار گوناگونی در پی خواهد داشت که از جمله این آثار حقوقی عبارت از حقوق و تکالیفی است که برای زوجین دریافت‌کننده جنین به وجود خواهد آمد و زوجین مکلف خواهند شد حضانت یا نگاه‌داری و تربیت کودک حاصل از جنین دریافتی را عهده‌دار گردند و تأمین هزینه امرار معاش یا نفقه کودک مزبور تا رسیدن به سن کبر، طبق مقررات بر عهده زوجین و سایر اقارب نسبی آنان در حد و چارچوب قانون است. علاوه بر موارد مذکور، روابط حقوقی دیگری نیز به وجود خواهد آمد که عبارتند از: موضوع قرابت نسبی و سببی، ولایت، حرمت نکاح و توارث بین کودک حاصل از اهدای جنین و زوجین دریافت‌کننده جنین و اقارب نسبی آنان، به علاوه کودک حاصل از جنین اهدایی طبق قانون فرزند زوجین محسوب می‌شود، لذا باید از آنان در حد متعارف اطاعت کند و احترام آنان را در حد والدین نگاه دارد و بعد از رسیدن به سن کبر، در صورت نیاز والدین مزبور به شرط تمکن باید نفقه آنان را بر اساس مقررات مربوط به نفقه اقارب پرداخت کند.

در مورد حضانت فرزندان حاصل از جنین اهدایی در ماده ۳ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲ تعیین تکلیف شده و حق و تکلیف حضانت چنین نوزادی بر عهده زوجین دریافت‌کننده جنین است و واگذاری این حق و تکلیف که خاص والدین به صورت طبیعی است به زوجین پذیرنده جنین اهدایی حاکی از آن است که رابطه فرزند مزبور با زوجین اشاره‌شده، رابطه نسبی قانونی یا در حکم نسب است و نظر کسانی که دو مادر برای کودک قائلند حداقل از نظر آثار حقوقی مشکل‌آفرین است و مصلحت کودک و خانواده وی و جامعه نیز با نظر این گروه به خطر خواهد افتاد، ضمناً صاحبان اسپرم و تخمک اهدایی هرگز قصد ایجاد حق و تکلیف برای خود نداشته‌اند و ناشناس باقی خواهند ماند. با این ترتیب زوجین پذیرنده جنین اهدایی همان حقوق و تکالیف عنوان‌شده در ماده ۱۱۶۸ ق.م را دارند و امتناع آنان از انجام تکلیف موجب ایجاد مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود، البته در واقع و نفس‌الامر رابطه نسبی صاحبان جنینی با کودک منتفی نیست.

حقوق و تکالیف حضانت، نگاه‌داری و تربیت کودک را با توجه به مواد ۱۱۷۳ و ۱۱۷۵ قانون مدنی ایران، نمی‌توان از زوجین پذیرنده جنین سلب کرد، مگر اینکه در اثر انحطاط اخلاقی زوجین یا مسامحه آنان در حضانت کودک، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر قرار گیرد که در این صورت، طبق حکم دادگاه صلاحیت‌دار که دادگاه خانواده محل اقامت کودک است، حق حضانت از آنان یا یکی از آنان سلب خواهد شد، البته اعتیاد زیان‌آور به الکل، اعتیاد به مواد مخدر و عادت به قماربازی، اشتهار به فساد اخلاق و فحشا، ابتلا به بیماری‌های روانی و جنون به تشخیص پزشکی قانونی، سوءاستفاده ازکودک یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی، مانند فحشا، تکدی‌گری، قاچاق و تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف و امثال آن، از جمله موجبات سلب

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

صلاحیت زوجین در زمینه نگاه‌داری و تربیت کودک خواهد بود.

بر این اساس، به نظر می‌رسد می‌توان از مجموع مواد قانونی این نتیجه را قابل حصول دانست که هر امری که به نحوی، مصلحت و غبطه طفل متولد از حالت مادر جانشینی را به خطر اندازد و موجب بلااجرا و بلاتحقق‌ماندن حقوق و امتیازات قانونی وی گردد، باید نامعتبر و نامشروع محسوب شده و نباید مشمول هیچ اثر قانونی قرار گیرد. بر همین اساس، در صورت وجود احتمال بروز چنین اموری، باید قرارداد مادر جانشینی منعقده را باطل و بلااثر ارزیابی کرد (۸).

باید افزود که از تطور در آرای فقهی، قوانین مدنی و مذاق شریعت برمی‌آید که نفقه بیش از آنکه تابع نسب شرعی و رابطه والد و فرزندی باشد، بر پایه مصلحت کودک سامان می‌پذیرد. بر این اساس الزام به تأدیه نفقه طفل، بر ذمه صاحب سلول دارای هسته به عنوان پدر قانونی است. در صورت تعذر یا توافق طرفین، انتقال‌گیرندگان جنین و کسانی که متعهد به دریافت کودک شبیه‌سازی شده‌اند، نسبت به سایرین ارجحیت دارند (۹).

با وجود آنکه مقاومت‌هایی در مقابل اعتقاد به انحلال‌پذیری قراردادهای باروری مصنوعی وجود دارد، لیکن در فرض پذیرش این امکان، حالت‌های مختلفی قابل تصور است که هر یک، احکام و آثار حقوقی خاص خود را دارد و باید درصدد بررسی آن‌ها بود. این موضوع مهم را در مبحث بعد، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳. آثار انحلال قراردادهای باروری مصنوعی در حقوق ایران در فرض پذیرش امکان انحلال: هنگامی که حیات قراردادهای باروری مصنوعی به واسطه اسباب گوناگون انحلال از قبیل جریان‌یافتن فسخ به دلیل جائزبودن قرارداد در مرحله پیش از انتقال جنین به رحم و همچنین امکان انفساخ آن به جهات متعدد، پایان یابد، آثار ناشی از انحلال قرارداد باید تشریح گردد. می‌توان گفت این قرارداد به دو مرحله قابل تقسیم است: ۱ـ مرحله پیش از انتقال جنین؛ ۲ـ مرحله پس از انتقال جنین. حسب اینکه جنین در هر یک از این مراحل، از چه ماهیتی برخوردار است، آثار ناشی از انحلال قرارداد، متفاوت خواهد بود و همین تفکیک، می‌تواند مبنای مطالعه قرار گیرد.

۳-۱. آثار و احکام انحلال قراردادهای باروری مصنوعی در مرحله پیش از انتقال جنین: برای تحلیل آثار و احکام انحلال قراردادهای باروری مصنوعی در مرحله پیش از انتقال جنین، می‌توان این آثار را حسب اینکه انحلال به سبب ارادی بوده یا به سبب قهری، مورد بررسی قرار داد.

۳-۱-۱. آثار ناشی از انحلال ارادی قرارداد: اسباب انحلال ارادی عقود به دسته اقاله و فسخ تقسیم می‌شود که در قرارداد باروری مصنوعی، فقط فسخ مصداق می‌یابد و اقاله به دلیل اینکه از اسباب انحلال عقود لازم است و نیز به سبب اینکه این قرارداد تا پیش از انتقال جنین به رحم، جائز می‌باشد، جریان پیدا نخواهد کرد. در قانون مدنی به اثر فسخ به صراحت اشاره نشده است، ولی به این دلیل که فسخ همانند اقاله عقد را از بین می‌برد می‌توان مقررات مربوط به آثار اقاله را با وحدت ملاک به فسخ نیز سرایت داد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، ماده ۲۸۶ قانون مدنی در باب اقاله است که در فسخ نیز قابل اجراست.

در مواردی که قرارداد جانشینی در بارداری در این مرحله یعنی تا پیش از انتقال جنین به رحم، از سوی هر یک از طرفین آن فسخ می‌گردد، مسئولیت‌های والدین ژنتیکی در برابر هر یک از مرکز یا مادر جانشین و همسرش و بالعکس، منوط به این است که چه کسی قرارداد را فسخ می‌کند؟ چنانچه هر یک از والدین ژنتیکی، قرارداد را قبل از اخذ گامت فسخ کنند، هر یک از طرفین قرارداد در قبال یکدیگر مسئولیتی نخواهند داشت و اگر هم بخشی از عوض به مرکز پرداخت شده باشد، پدر ژنتیکی می‌تواند استرداد وجه را از مرکز مطالبه کند، اما اگر هر یک از والدین ژنتیکی، قرارداد را بعد از اخذ گامت فسخ نمایند، مرکز بابت آن میزان از تعهداتی که ایفا نموده است، مستحق عوض (اجرت‌المثل) می‌باشد که پدر ژنتیکی، متعهد به پرداخت آن است (۱۰).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

لذا با انحلال قرارداد، اجرت‌المثل جایگزین اجرت‌المسمی می‌گردد. در مقابل، مرکز گامت‌ها یا جنین متشکله را بعد از فسخ قرارداد به آن‌ها استرداد می‌نماید، چراکه با فسخ قرارداد، وضعیت طرفین به حالت قبل از انعقاد قرارداد اعاده می‌گردد. در قرارداد مزبور نیز در خصوص امکان استرداد گامت‌ها یا جنین متشکله باید بیان داشت که از یک طرف، چنانچه با مانع جدیدی مواجه نشویم، باید قائل به امکان استرداد آن‌ها بود تا والدین ژنتیکی در صورت تمایل، آن را نابود کنند یا در یک فرآیند باروری آزمایشگاهی جدید یا در قالب اهدا یا ... مورد استفاده قرار دهند.

همچنین مادر جانشین بابت هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده است، از قبیل درآمد ازدست‌رفته خود به علت عدم حضور در محل کار و ... می‌تواند آن‌ها را از محل وجهی که پدر ژنتیکی در نزد مرکز تودیع نموده است، وصول کند و مرکز مابقی آن را به پدر مسترد می‌نماید و چنانچه اجرتی بابت بارداری و حمل جنین برای مادر جانشین در قرارداد تعیین شده باشد، با توجه به اینکه جنینی منتقل نشده است، استحقاقی بابت دریافت آن نخواهد داشت (۱۱).

چنانچه هر یک از مادر جانشین و همسرش، قرارداد را قبل از اخذ گامت و هرگونه اقدامی فسخ کنند، هر یک از طرفین قرارداد در قبال یکدیگر مسئولیتی نخواهند داشت و اگر هم بخشی از عوض توسط پدر ژنتیکی به مرکز پرداخت شده باشد، او می‌تواند استرداد وجه را از مرکز مطالبه کند، اما اگر هر یک از مادر جانشین و همسرش، قرارداد را بعد از اخذ گامت فسخ نمایند، مرکز مجدداً بابت آن میزان از تعهداتی که ایفا نموده، مستحق عوض (اجرت‌المثل) است که چنانچه آن‌ها با تقصیر دست به فسخ قرارداد زده باشند، به عبارت دیگر از حق خود سوءاستفاده کرده باشند، خودشان به پرداخت اجرت‌المثل مرکز متعهدند، اما چنانچه سوءاستفاده‌ای متصور نباشد و والدین ژنتیکی نیز از این میزان تعهدات صورت‌گرفته انتفاعی برده باشند، به اقتضای قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» باید پدر ژنتیکی را مسئول پرداخت اجرت مرکز دانست. در مقابل، مرکز گامت‌ها یا جنین متشکله را بعد از فسخ قرارداد به والدین مسترد می‌کند (۱۲).

اما در باب مادر جانشین باید گفت که او نمی‌تواند هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده از محل وجهی که پدر ژنتیکی نزد مرکز تودیع نموده است، وصول نماید، چراکه در صورت وصول از محل مزبور، نظر به اینکه انحلال قرارداد منتسب به آن است، سوءاستفاده از حق را به دنبال دارد (اصل ۴۰ قانون اساسی)، لذا مرکز آن مبالغ تودیعی را به پدر مسترد می‌کند. اجرت تعیین‌شده هم که سالبه به انتفای موضوع است، زیرا اجرت مزبور برای موضوع بارداری و حمل جنین تعیین شده بود که این موارد، اساساً حاصل شده است، بنابراین مادر جانشین، استحقاق دریافت آن را ندارد.

چنانچه مرکز قرارداد را قبل از اخذ گامت فسخ کند، هیچ یک از طرفین قرارداد در قبال یکدیگر مسئولیتی نخواهند داشت و اگر هم بخشی از عوض به مرکز پرداخت شده باشد، پدر ژنتیکی می‌تواند استرداد وجه را از مرکز مطالبه کند، اما اگر مرکز قرارداد را بعد از اخذ گامت فسخ کند، مادر جانشین بابت هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده، می‌تواند آن‌ها را از محل وجهی که پدر ژنتیکی در نزد مرکز تودیع نموده است، وصول نماید و مرکز مابقی آن را به پدر مسترد خواهد کرد، اما مادر جانشین مستحق دریافت اجرت تعیین‌شده در قرارداد نیست، به دلیل اینکه تعلق اجرت به مادر جانشین، سالبه به انتفای موضوع شده است، لکن در خصوص مرکز باید متذکر شد که ضمن اینکه گامت‌ها یا جنین متشکله را بعد از فسخ قرارداد به والدین ژنتیکی مسترد می‌کند با توجه به اینکه هدف اصلی طرفین دیگر قرارداد جانشینی در بارداری، انتقال جنین به رحم مادر جانشین بوده که این موضوع به واسطه فسخ قرارداد توسط مرکز محقق نشده است، لذا مرکز را نباید مستحق عوضی که به موجب قرارداد دریافت کرده و همچنین اجرت‌المثل دانست، زیرا مصداق بارز سوءاستفاده از حق خواهد بود (۱۳).

بنابراین در کلیه مواردی که انحلال قرارداد جانشینی در بارداری، اعم از انحلال قهری یا ارادی آن، منتسب به مرکز است، نمی‌توان گفت که مرکز همچنان مستحق عوض اعم از اجرت‌المثل و اجرت‌المسمی بوده است، چراکه به عنوان مثال، فسخ قرارداد، اگرچه حقی است که از سوی مرکز می‌تواند

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

اعمال شود، اما اینکه هم انحلال قرارداد منتسب به مرکز باشد و هم اینکه مرکز بتواند عوض اقدامات به عمل آورده خود را از پدر بگیرد، مصداق بارز سوءاستفاده از حق و داراشدن ناعادلانه خواهد بود. مطلب اخیر در مورد مادر جانشین و همسرش در فروضی که موجب انفساخ منتسب به اراده آن‌هاست و یا اینکه آن‌ها قرارداد را فسخ می‌کنند صادق است (۱۴).

۳-۱-۲. آثار ناشی از انحلال قهری قرارداد: آثار ناشی از انفساخ به صراحت بیان نشده است، اما می‌توان آثار ناشی از اقاله و فسخ را به انفساخ نیز سرایت داد، زیرا آثار ناشی از هر سه مورد ناظر بر آینده است و فرق بین آن دو فقط از حیث سبب انحلال است که اقاله و فسخ با اراده صورت می‌گیرد، اما انفساخ به صورت غیر ارادی و قهری حادث می‌شود (۱۵).

۳-۱-۳. آثار ناشی از انفساخ به واسطه فوت اشخاص حقیقی و یا انحلال شخص حقوقی: چنانچه هر دو والدین ژنتیکی یا یکی از آن‌ها قبل از اخذ گامت فوت نمایند و قرارداد به این دلیل منفسخ گردد، طرفین قرارداد در قبال یکدیگر مسئولیتی نخواهند داشت و اگر هم بخشی از عوض به مرکز پرداخت شده باشد، ورثه پدر ژنتیکی یا خود او در صورت در قید حیات‌بودن می‌توانند استرداد وجه را از مرکز مطالبه کنند، اما در صورتی که هر دو والدین ژنتیکی بعد از اخذ گامت فوت کنند، مرکز بابت آن میزان از تعهداتی که ایفا نموده، مستحق عوض (اجرت‌المثل) است که نحوه وصول آن تابع احکام دیون متوفی است.

در عین حال، مرکز نباید جنین متشکله را به ورثه آن‌ها مسترد دارد. در واقع جنین آزمایشگاهی و گامت، گرچه مال محسوب می‌شوند قابل توارث نیستند، زیرا چنانچه قائل به توارث جنین به ورثه والدین ژنتیکی باشیم، ممکن است که بین آن‌ها برای استفاده از جنین آزمایشگاهی اتفاق نظر نباشد که در هر مورد، سرنوشت متفاوتی برای آن رقم می‌خورد، لذا از این حیث است که می‌گوییم به ارث رسیدن آن به دور از اخلاق است (۱۶).

همچنین اینکه در این حالت، کودک حاصل از باروری آزمایشگاهی بدون پدر و مادر متولد می‌شود که مغایر با مصلحت اوست، لذا مرکز باید اقدام به نابودکردن گامت‌ها یا جنین متشکله نماید و یا اینکه می‌تواند از آن‌ها برای کارهای پژوهشی و... در صورت تصریح در قرارداد استفاده کند.

در صورتی که یکی از آن‌ها بعد از اخذ گامت فوت کند، مرکز ضمن اینکه به شرح فوق، مستحق دریافت اجرت‌المثل اقدامات خود تا زمان انفساخ است، چنانچه گامت‌ها را با یکدیگر تلقیح ننموده، فقط باید گامت آن کسی که زنده است به او مسترد دارد و گامت دیگری را از بین ببرد و یا اینکه می‌تواند از آن برای کارهای پژوهشی و... در صورت تصریح در قرارداد استفاده کند. اگر هم جنین را با تلقیح گامت‌ها تشکیل داده است، همچنان نمی‌تواند جنین آزمایشگاهی را به ورثه مسترد کند، چراکه علاوه بر جریان‌داشتن دلیل فوق‌الذکر، اراده متوفی مبنی بر انتقال جنین به رحم مادر جانشین قابل احراز نیست، لذا مرکز همچنان موظف به از بین‌بردن جنین است یا اینکه می‌تواند از آن برای کارهای پژوهشی و... در صورت تصریح در قرارداد استفاده کند. در خصوص مادر جانشین نیز باید متذکر شد که او بابت هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده است، از قبیل درآمد از دست‌رفته خود به علت عدم حضور در محل کار و... می‌تواند آن‌ها را از محل وجهی که پدر ژنتیکی نزد مرکز تودیع نموده است، وصول نماید و مرکز مابقی آن را به ورثه پدر یا خود او در صورت زنده‌بودن مسترد می‌دارد و چنانچه اجرتی بابت بارداری و حمل جنین برای مادر جانشین در قرارداد تعیین شده باشد، با توجه به اینکه جنینی منتقل نشده است، استحقاقی برای دریافت اجرت نخواهد داشت (۱۷).

چنانچه قرارداد قبل از اینکه مرکز گامت‌ها را از والدین ژنتیکی اخذ نماید، به دلیل فوت هر دوی مادر جانشین و همسرش منفسخ گردد، طرفین قرارداد در قبال یکدیگر مسئولیتی نخواهند داشت و اگر هم پدر ژنتیکی بخشی از عوض را به مرکز پرداخت کرده باشد، او می‌تواند استرداد وجه را از مرکز مطالبه کند، اما در صورتی که هر دوی مادر جانشین و همسرش یا یکی از آن‌ها بعد از اینکه مرکز گامت‌ها را از

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

والدین ژنتیکی اخذ نمود فوت نمایند، مرکز بابت آن میزان تعهداتی که ایفا نموده، مستحق عوض (اجرت‌المثل) است.

همچنین مرکز مکلف است گامت‌ها یا جنین متشکله را به والدین ژنتیکی مسترد نماید. در خصوص مادر جانشین باید متذکر شد که ورثه او یا خودش بابت هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده‌اند، می‌تواند آن‌ها را از محل وجهی که پدر ژنتیکی در نزد مرکز تودیع نموده است، وصول نماید، چراکه درست است که هدف اصلی طرفین دیگر قرارداد، انتقال جنین به رحم مادر جانشین بوده که این موضوع، به واسطه فوت مادر جانشین و همسرش یا فوت یکی از آن‌ها و بالتبع انفساخ قرارداد محقق نشده، اما سبب انفساخ، یعنی فوت به صورت قهری و به صورت خارج از چارچوب اراده آن‌ها حادث شده است و نمی‌توان سبب انفساخ را منتسب به اراده آن‌ها نمود، لذا ورثه او یا خودش هزینه‌های مربوطه را از محل مبالغ تودیعی وصول می‌نمایند و مرکز مابقی آن مبالغ را به پدر مسترد می‌دارد، اما چنانچه اجرتی بابت بارداری و حمل جنین برای مادر جانشین در قرارداد تعیین شده باشد، با توجه به اینکه جنینی منتقل نشده است، استحقاقی برای دریافت آن نخواهد داشت.

با انفساخ قرارداد جانشینی در بارداری به دلیل انحلال شخصیت حقوقی مرکز، مرکگز باید تکلیف گامت‌ها یا جنین متشکله را که در اختیار دارد، روشن کند به این معنا که باید آن‌ها را به والدین ژنتیکی بازگرداند. در عین حال، با توجه به اینکه هدف اصلی طرفین دیگر قرارداد، انتقال جنین به رحم مادر جانشین بوده که این موضوع به واسطه انحلال شخصیت حقوقی مرکز و بالتبع انفساخ قرارداد محقق نشده است و همچنین نظری به اینکه انحلال قرارداد منتسب به او بوده، لذا مرکز را نباید در خصوص عوضی که به واسطه انجام اقدامات و تعهدات خود تا قبل از انفساخ دریافت نموده است، مستحق دانست، لذا در این صورت، پدر ژنتیکی در زمره طلبکاران مرکز به شمار می‌آید، همچنین اینکه به همان دلیل یادشده مرکز را نباید مستحق اجرت‌المثل دانست (۱۸).

در مورد مادر جانشین نیز باید متذکر شد که او بابت هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده است، می‌تواند آن‌ها را محل وجهی که پدر ژنتیکی نزد مرکز تودیع نموده است، وصول نماید و مرکز مابقی آن را به پدر مسترد می‌دارد، اما مادر جانشین، مستحق دریافت اجرت معین‌شده در قرارداد نیست، زیرا تعلق اجرت به مادر جانشین، سالبه به انتفای موضوع شده است.

۳-۱-۴. آثار ناشی از انحلال به واسطه محجوریت یکی از طرفین: چنانچه قرارداد قبل از اخذ گامت از والدین ژنتیکی به دلیل محجوریت هر دو یا یکی از آن‌ها منفسخ گردد، طرفین در برابر یکدیگر مسئولیتی نخواهند داشت و اگر هم بخشی از عوض به مرکز پرداخت شده باشد، قیم پدر ژنتیکی یا خود او در صورت داشتن اهلیت، می‌تواند استرداد وجه را از مرکز مطالبه کند، لکن در صورتی که قرارداد بعد از اخذ گامت به دلیل محجوریت هر دوی والدین ژنتیکی منحل شود، مرکز بابت آن میزان از تعهداتی که ایفا نموده، مستحث عوض (اجرت‌المثل) است و در مقابل، قیم آن‌ها می‌تواند استرداد گامت‌ها یا جنین متشکله را از مرکز مطالبه نماید یا آن‌ها را نابود و یا ضمن حفظ آن‌ها از طریق فرایند انجمادسازی، چنانچه والدین ژنتیکی از محجوریت خارج شدند، بتوانند در یک فرایند جدید کمک باروری بهره ببرند.

همچین در صورتی که انفساخ قرارداد به دلیل محجوریت یکی از والدین ژنتیکی بعد از اخذ گامت باشد، مرکز ضمن اینکه به شرح فوق، مستحق دریافت عوض اقدامات خود تا زمان انفساخ است، چنانچه گامت‌ها را با یکدیگر تلقیح ننموده فقط باید گامت آن کسی را که اهلیت دارد به او مسترد کند و قیم نیز گامت فرد محجور را از مرکز پس می‌گیرد تا به ترتیب فوق عمل کند. اگر هم جنین را با تلقیح گامت‌ها تشکیل داده است، با توافق آن کسی که اهلیت دارد و قیم فرد محجور، می‌توان جنین متشکله را از مرکز پس گرفت (۱۹).

در خصوص مادر جانشین باید بیان کرد که او بابت هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده است، می‌تواند آن‌ها را از محل وجهی که پدر ژنتیکی نزد مرکز تودیع کرده است، وصول نماید و مرکز مابقی آن را به قیم پدر و یا خود او در صورت اهلیت داشتن مسترد می‌دارد، اما چنانچه اجرتی بابت بارداری

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

و حمل جنین برای مادر جانشین در قرارداد تعیین شده باشد، با توجه به اینکه جنینی منتقل نشده است، استحقاقی بابت آن وجود نخواهد داشت.

چنانچه قرارداد قبل از اخذ گامت از والدین ژنتیکی به دلیل محجوریت هر دوی مادر جانشین و همسرش یا یکی از آن‌ها منفسخ گردد، طرفین در برابر یکدیگر مسئولیتی نخواهند داشت. اگر هم پدر ژنتیکی بخشی از عوض را به مرکز پرداخت کرده باشد، او می‌تواند استرداد وجه را از مرکز مطالبه نماید، لیکن در صورتی که قرارداد بعد از اخذ گامت از والدین ژنتیکی به دلیل محجوریت هر دوی مادر جانشین و همسرش یا یکی از آن‌ها منحل می‌شود، مرکز بابت آن میزان از تعهداتی که ایفا نموده است، مستحق اجرت‌المثل خواهد بود و در مقابل، والدین ژنتیکی می‌توانند گامت‌ها یا جنین متشکله خود را از مرکز مسترد نمایند.

درباره مادر جانشین نیز باید اذعان نمود که بابت هزینه‌های گوناگونی که مادر جانشین متحمل شده است، قیم او یا خودش در صورت اهلیت داشتن، می‌تواند آن هزینه‌ها را از محل وجهی که پدر ژنتیکی نزد مرکز تودیع کرده است، وصول نماید، زیرا درست است که هدف اصلی طرفین دیگر قرارداد، انتقال جنین به رحم مادر جانشین بوده که این موضوع به واسطه محجوریت مادر جانشین و همسرش یا محجوریت یکی از آن‌ها و بالتبع انفساخ قرارداد محقق نشده است، اما سبب انفساخ، یعنی محجوریت به صورت قهری و خارج از چارچوب اراده آن‌ها حادث شده است و نمی‌توان سبب انفساخ را منتسب به اراده آن‌ها نمود، لذا قیم او یا خودش هزینه‌های مربوطه را از محل مبالغ تودیعی وصول می‌نمایند و مرکز مابقی آن مبالغ را به پدر مسترد می‌دارد، لکن چنانچه اجرتی بابت بارداری و حمل جنین برای مادر جانشین در قرارداد تعیین شده باشد، با توجه به اینکه جنینی منتقل نشده است، استحقاقی بابت آن نخواهد داشت.

۳-۱-۵. آثار ناشی از انحلال به واسطه طلاق زوجین از یکدیگر: چنانچه والدین ژنتیکی قبل از اخذ گامت از یکدیگر طلاق بگیرند و قرارداد به این دلیل منفسخ گردد، طرفین قرارداد در قبال یکدیگر مسئولیتی نخواهند داشت و اگر هم بخشی از عوض به مرکز پرداخت شده باشد، پدر ژنتیکی می‌تواند استرداد وجه را از مرکز مطالبه کند، اما در صورتی که جدایی والدین ژنتیکی بعد از اخذ گامت باشد، مرکز بابت آن میزان از تعهداتی که ایفا نموده و اقداماتی که تا زمان انفساخ انجام داده است، مستحق عوض (اجرت‌المثل) خواهد بود.

در مقابل، چنانچه گامت‌ها را با یکدیگر تلقیح ننموده باشند، هر یک از زن و مرد می‌توانند گامت خود را از مرکز پس بگیرند و اگر مرکز جنین را با تلقیح گامت‌ها تشکیل داده باشد، زوجین جداشده نمی‌توانند جنین را از مرکز مسترد کنند، چراکه جنین حاصله موجود جدیدی است که صاحبان حق سلطه آن (والدین ژنتیکی) در قید زوجیت یکدیگر نیستند تا بتوانند از آن در یک فرایند باروری آزمایشگاهی جدید استفاده کنند، لذا استرداد این موجود جدید به زوجین مطلقه با مانع اخلاقی رو به روست، در نتیجه مرکز باید جنین را نابود کند یا اینکه می‌تواند از آن برای کارهای پژوهشی و... در صورت تصریح در قرارداد استفاده کند (۲۰).

درباره مادر جانشین نیز باید متذکر شد که او بابت هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده است از قبیل درآمد از دست‌رفته خود به علت عدم حضور در محل کار و... می‌تواند آن‌ها از محل وجوهی که پدر ژنتیکی در نزد مرکز تودیع نموده است، وصول نماید و مرکز مابقی آن را به پدر مسترد می‌دارد، اما چنانچه اجرتی بابت بارداری و حمل جنین برای مادر جانشین در قرارداد تعیین شده باشد، با توجه به اینکه جنینی منتقل نشده است، استحقاقی بابت آن نخواهد داشت.

چنانچه مادر جانشین از همسرش قبل از اینکه مرکز گامت‌ها را از والدین ژنتیکی اخذ نماید، جدا شود و قرارداد به این دلیل منفسخ گردد، هر یک از طرفین قرارداد در قبال یکدیگری مسئولیتی نخواهند داشت و اگر هم پدر ژنتیکی بخشی از عوض را به مرکز پرداخت کرده باشد، او می‌تواند استرداد وجه را از مرکز مطالبه کند، اما در صورتی که مادر جانشین از همسرش بعد از اینکه مرکز گامت‌ها را از والدین ژنتیکی اخذ نموده، طلاق بگیرد، مرکز بابت آن میزان از تعهداتی که ایفا

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

نموده و اقداماتی که تا زمان انفساخ انجام داده، مستحق عوض (اجرت‌المثل) است. در مقابل، چه اینکه جنین از تلقیح گامت‌های والدین ژنتیکی تشکیل شده یا اساساً تلقیح نشده باشد، در هر حال والدین می‌توانند جنین متشکله خود یا گامت‌ها را از مرکز مسترد نمایند، زیرا آن‌ها از یکدیگری طلاق نگرفته‌اند، بلکه مادر جانشین از شوهرش جدا شده است، لذا والدین ژنتیکی همچنان در علقه زوجیت یکدیگرند و به همین دلیل به استرداد جنین متشکله یا گامت‌ها مجازند.

در خصوص مادر جانشین نیز باید متذکر شد که او بابت هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده است، نمی‌تواند آن‌ها را محل وجهی که پدر ژنتیکی نزد مرکز تودیع نموده، وصول نماید، چراکه هدف اصلی طرفین دیگر قرارداد، انتقال جنین به رحم مادر جانشین بوده که این موضوع به واسطه طلاق مادر جانشین از همسرش و بالتباع انفساخ قرارداد محقق نشده است، لذا مادر جانشین را نباید در خصوص هزینه‌های که متحمل شده است، مستحق دریافت آن‌ها از محل وجوه تودیعی دانست و در نتیجه، مرکز آن مبالغ تودیعی را به پدر مسترد می‌دارد، اما اگر موجب طلاق، منتسب به زوج باشد، مادر جانشین در خصوص هزینه‌ها از باب تسبیب، حق رجوع به زوج را دارد و اگر هم موجب طلاق، اموری از قبیل سوء معاشرت مادر جانشین (زوجه) یا عدم تمکین او یا ... باشد که منتسب به خود زوجه است، اساساً او مستحق دریافت هزینه‌ها نیست. سرانجام اینکه اگر اجرتی بابت بارداری و حمل جنین برای مادر جانشین در قرارداد تعیین شده باشد، با توجه به اینکه جنینی منتقل نشده است، استحقاقی بابت آن نیز نخواهد داشت (۲۱).

۳-۱-۶. آثار ناشی از انحلال به واسطه تغییر جنسیت:

چنانچه قرارداد قبل از اخذ گامت از والدین ژنتیکی به دلیل تغییر جنسیت هر دوی والدین ژنتیکی یا یکی از آن‌ها منفسخ گردد، طرفین در برابر یکدیگر مسئولیتی نخواهند داشت و اگر هم بخشی از عوض به مرکز پرداخت شده باشد، پدر ژنتیکی می‌تواند استرداد وجه را از مرکز مطالبه نماید، لکن در صورتی که قرارداد بعد از اخذ گامت به دلیل تغییر جنسیت هر دوی والدین ژنتیکی منحل شود. بنا بر یک احتمال، مرکز نباید گامت‌ها یا جنین متشکله را به آن‌ها مسترد کند، چراکه صاحبان گامت‌ها یا جنین متشکله که دست به تغییر جنسیت زده اند، نمی‌توانند از آن‌ها در یک فرایند باروری آزمایشگاهی جدید استفاده نمایند و نکاح فیمابین آن‌ها نیز منفسخ شده است، لذا با توجه به اعتقادات مذهبی جامعه ما، ملاحظات اخلاقی، عرف و عادات اجتماعی، مورد قبول اکثریت جامعه قبرار نمی‌گیرد. در این صورت، چنانچه شرایط شرعی اتلاف جنین موجود باشد، مرکز می‌تواند آن‌ها را از بین ببرد یا اینکه از آن‌ها برای کارهای پژوهشی و... به شرط تصریح در قرارداد استفاده کند.

احتمال دیگر این است که تغییر جنسیت، رابطه حقوقی صاحب گامت با آن را تغییر نمی‌دهد، همان‌گونه که رابطه او با پدر و مادرش یا با فرزندان احتمالی قبلی‌اش تغییر نمی‌کند، لذا بایستی به خود او مسترد شود. در صورتی که قرارداد بعد از اخذ گامت به دلیل تغییر جنسیت یکی از آن‌ها منحل شده باشد، اگر مرکز گامت‌ها را با یکدیگر تلقیح ننموده باشد، فقط می‌تواند گامت آن کسی را که اقدام به تغییر جنسیت نکرده است، به او مسترد نماید، اما گامت زوج یا زوجه‌ای را که دست به تغییر جنسیت زده است، به همان دلیل فوق‌الذکر نمی‌تواند به او برگرداند، بلکه باید نابود کند یا اینکه می‌تواند از آن در صورت تصریح برای کارهای پژوهشی و... استفاده کند. چنانچه مرکز جنین را از تلقیح گامت‌ها تشکیل شده باشد، به همان دلیل فوق‌الذکر همچنان نمی‌تواند جنین را به آن‌ها بازگرداند، بلکه جنین باید از بین برود یا اینکه می‌توان در صورت تصریح برای کارهای پژوهشی و... استفاده گردد.

به طور کلی، در تمام فروضی که قرارداد بعد از اخذ گامت به دلیل فوق منفسخ می‌شود، مرکز بابت آن میزان از تعهداتی که ایفا نموده و اقداماتی که تا زمان انفساخ جهت انجام موضوع قرارداد مزبور به عمل آورده، مستحق عوض (اجرت‌المثل) است. در خصوص مادر جانشین باید اشاره کرد که او بابت هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده، می‌تواند آن‌ها را از محل وجهی که پدر ژنتیکی در نزد مرکز تودیع کرده است، وصول نماید و مرکز مابقی آن را به پدر مسترد می‌دارد، اما چنانچه

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

اجرتی بابت بارداری و حمل جنین برای مادر جانشین در قرارداد تعیین شده باشد، با توجه به اینکه جنینی منتقل نشده است، استحقاقی برای دریافت آن نخواهد داشت.

چنانچه قرارداد قبل از اخذ گامت از والدین ژنتیکی به دلیل تغییر جنسیت هر دوی مادر جانشین و همسرش یا یکی از آن‌ها منفسخ گردد، طرفین در برابر یکدیگر مسئولیتی نخواهد داشت و اگر هم پدر ژنتیکی بخشی از عوض را به مرکز پرداخت کرده باشد، او می‌تواند استرداد وجه را از مرکز مطالبه نماید، لکن در صورتی که قرارداد بعد از اخذ گامت از والدین ژنتیکی به دلیل تغییر جنسیت هر دوی مادر جانشین و همسرش یا یکی از آن‌ها منحل شود، در هر حال والدین ژنتیکی می‌توانند گامت‌ها یا جنین حاصله را از مرکز پس بگیرند و در مقابل، مرکز نیز بابت آن میزان از تعهداتی که ایفا نموده و اقداماتی که تا زمان انفساخ برای انجام موضوع قرارداد مزبور به عمل آورده، مستحق عوض (اجرت‌المثل) است، لکن والدین ژنتیکی می‌توانند بابت هزینه‌های پرداختی به مرکز از باب تسبیب در ورود خسارت به هر یک از مادر جانشین و درمان ضروری نباشد و به درخواست شخص بوده باشد. در صورت وجود الزامات درمانی خارج از اراده شخص، به نظر می‌رسد که مسئولیتی نداشته باشد.

در خصوص مادر جانشین نیز باید گفت که او بابت هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده نمی‌توانند آن‌ها را از محل وجهی که پدر ژنتیکی در نزد مرکز تودیع نموده است، وصول نماید، چراکه هدف اصلی طرفین دیگر قرارداد، انتقال جنین به رحم مادر جانشین بوده که این موضوع به واسطه تغییر جنسیت مادر جانشین و همسرش یا یکی از آن‌ها و بالتبع انفساخ قرارداد محقق نشده است، لذا مادر جانشین را نباید در خصوص هزینه‌هایی که متحمل شده است، مستحق دانست، در نتیجه مرکز آن مبالغ تودیعی را به پدر مسترد می‌دارد و چنانچه اجرتی بابت بارداری و حمل جنین برای مادر جانشین در قرارداد تعیین شده باشد با توجه به اینکه جنینی منتقل نشده است، استحقاقی بابت آن نیز نخواهد داشت.

۳-۱-۷. آثار ناشی از انحلال به واسطه تلف قهری موضوع قرارداد: در نتیجه انفساخ قرارداد به این دلیل، مرکز در باب دادن بدل گامت‌ها یا جنین متشکله به والدین ژنتیکی مسئولیتی نخواهد داشت، زیرا او آن‌ها را تلف نکرده، بلکه در اثر قوه قاهره تلف شده است و در عین حال، مرکز بابت آن میزان از تعهداتی که ایفا نموده و اقداماتی که تا زمان انفساخ انجام داده، به لحاظ اینکه قوه قاهره، انحلال قرارداد را در پی داشته است، مستحق عوض (اجرت‌المثل) نخواهد بود (۲۲).

همچنین مادر جانشین نیز نمی‌تواند هزینه‌های گوناگونی که را که متحمل شده است، از محل وجوهی که پدر ژنتیکی نزد مرکز تودیع نموده، وصول نماید، بلکه مرکز وجوه تودیعی را به پدر مسترد می‌دارد. تنها در صورتی پدر مسئولیت جبران دارد که از اقدامات انجام‌شده تا آن زمان، انتفاع برده باشد. چنانچه اجرتی بابت بارداری و حمل جنین برای مادر جانشین به موجب قرارداد تعیین شده باشد، با توجه به اینکه گامت‌ها یا جنین متشکله تلف شده و به رحم منتقل نشده باشد، استحقاقی برای دریافت آن وجود نخواهد داشت.

۴. آثار ناشی از انحلال قرارداد در مرحله پس از انتقال جنین: در مرحله پس از انتقال جنین، نظر به اینکه انحلال قرارداد با سقط جنین و خاتمه‌یافتن شخصیت بالقوه یا بالفعل انسانی ملازمه دارد، بررسی این موضوع که آثار ناشی از انحلال قرارداد و مسئولیت‌هایی که بر هر یک از طرفین قرارداد بار می‌شود، کاملاً همسو با قواعد عمومی قراردادهاست یا تابعیت محدودتری دارد، از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌گردد.

۴-۱. آثار ناشی از انحلال ارادی قرارداد: قرارداد جانشینی در بارداری در مرحله پس از انتقال جنین به یک عقد لازم تبدیل می‌گردد و لزوم آن نیز از مقوله لزوم حکمی است و نه لزوم حقی، در نتیجه نمی‌توان قرارداد را به واسطه اقاله و خیارات قانونی مندرج در ماده ۳۹۶ قانون مدنی منحل کرد و در یک تعریف صحیح از لزوم حکمی در برابر جواز حکمی باید اشاره کرد: «مصالحی که لزوم یا جواز عقود و یا ایقاعات با آن‌ها بستگی دارد از یک نوع نیستند، بلکه شدت و ضعف دارند. برخی از این مصالح، به قدری اکید هستند که افراد

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

نمی‌توانند آن‌ها را نادیده بگیرند، یعنی نمی‌توانند مصالح خصوصی خود را بر آن‌ها ترجیح دهند. این قبیل مصالح اکید، اگر در طرف لزوم باشد، آن لزوم را لزوم حکمی نامیده‌اند و اگر در طرف جواز باشد، آن جواز را جواز حکمی نام داده‌اند. به عنوان مثال، عقد وقف از عقود لازم است و لزوم آن، لزوم حکمی است (۲۳).

به همین ترتیب، قرارداد جانشینی در بارداری، در این مرحله نیز یک قرارداد لازم از نوع حکمی می‌باشد، چراکه مصلحت جامعه، نظم عمومی و اخلاق حسنه ایجاد می‌نماید هر یک از طرفین قرارداد یا هر دوی آن‌ها نتوانند به حیات جنینی که صاحب شخصیت بالقوه انسانی است و روز به روز در حال رشد و تکامل می‌باشد، پایان دهند، بلکه تنها سبب ارادی که در مرحله پس از انتقال جنین موجب انحلال قرارداد می‌شود، مواردی است که مقنن به صراحت فسخ قرارداد را امکان‌پذیر دانسته است.

قبل از ولوج روح، فقط در دو مورد، سقط درمانی مجاز دانسته شده است: اولاً ادامه بارداری به دلیل بیماری‌ای که زن حامل دارد، با تهدید جانی او توأم باشد؛ ثانیاً جنین عقب‌افتاده یا ناقص‌الخلقه باشد که موجب حرج برای مادر گردد که با اعلام اراده زن مبنی بر فسخ قرارداد، جنین سقط می‌شود، لذا فسخ قرارداد به عنوان یک عمل حقوقی از سوی زن با اعلام رضایتش بر سقط انشا می‌شود، زیرا اگر بگوییم که قرارداد فسخ نشده است، این پرسش پیش می‌آید که قرارداد در فاصله زمانی بین رضایت به سقط‌دادن تا لحظه وقوع سقط جنین چه وضعیتی خواهد داشت؟ اگر بگوییم منفسخ شده است که مطلب صحیحی نیست، چراکه هنوز سقط جنین رخ نداده است که بگوییم قرارداد به دلیل سالبه به انتفای موضوع‌شدن منفسخ شده، بلکه فعلاً فقط رضایت به انجام سقط داده شده است (۲۴).

و اگر هم بگوییم که قرارداد منحل نشده است و همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد، این نتیجه را به دنبال دارد که عمل او مبنی بر انجام سقط درمانی، نقض قرارداد جانشینی در بارداری محسوب می‌شود و امر مرتکب تخلف قراردادی شده، لذا ضامن است، در حالی که هیچ کس اعتقادی به ضامن‌بودن زن ندارد و چنین نتیجه‌ای را نمی‌پذیرد. در واقع می‌توانیم بگوییم که زن یک لحظه مقدم بر سقط جنین، اراده خود را مبنی بر فسخ قرارداد جانشینی در بارداری اعلام می‌نماید، لکن در خصوص دارنده حق فسخ در این مجال نمی‌گنجد.

در مرحله پس از انتقال جنین و بعد از ولوج روح، تنها عاملی که موجب فسخ قرارداد مزبور می‌شود، موردی است که در تبصره ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به آن اشاره شده است. در این تبصره می‌خوانیم: «هرگاه جنینی که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد، به منظور حفظ نفس مادر سقط شود، دیه ثابت نمی‌شود.» با توجه به تبصره فوق‌الذکر، می‌توان حق فسخ قرارداد مزبور را در این دوره زمانی برای مادر جانشین قائل شد، چراکه مبنایی که در تبصره مشارالیه برای تجویز سقط جنین ذکر شده، در خطربودن جان مادر است که این خطر طبیعتاً برای مادر جانشین که باردار بوده، وجود دارد نه مادر ژنتیکی. با تأمل در ادله زیر می‌توان به این نکات پی برد:

۱ـ از عدم تعلق دیه به سقط جنین در فرض وجود خطر جانی برای مادر، قانونی‌بودن سقط مستفاد می‌گردد.

۲ـ مقنن در ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مقام بیان بوده است، لذا با در نظرداشتن این مقدمه از مقدمات حکمت باید قائل به اطلاق تبصره این ماده بود که حاکی از تسری سقط درمانی در فرض وجود خطر جانی برای مادر بعد از چهار ماهگی است. پس باید گفت که تبصره مشارالیه فرض وجود خطر جانی برای مادر را به دوره زمانی جدید، یعنی بعد از ولوج روح تسری داده است. بنابراین همانطور که واضح و مبرهن است، در صورتی که ادامه بارداری برای زن حامل (مادر جانشین) خطر جانی داشته باشد، با اعلام اراده او مبنی بر فسخ، قرارداد منحل می‌شود و طبق آنچه که در مرحله پس از انتقال جنین و قبل از ولوج روح بیان شد، باید رضایت زن به سقط را در قالب عمل حقوقی فسخ توجیه کرد (۲۵).

آثار ناشی از فسخ قرارداد جانشینی در بارداری در این مرحله به این شرح است که در کلیه مواردی که قرارداد جانشینی در بارداری به واسطه فسخ مادر پژنتیکی یا مادر جانشین منحل می‌شود، مرکز بابت آن میزان از تعهداتی که ایفا نموده،

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مستحق دریافت اجرت‌المثل اقدامات خود است. همچنین مادر جانشین از حیث تعهداتی که تا زمان فسخ قرارداد انجام داده و به تناسب مرحله‌ای که فسخ در آن اتفاق افتاده است، مستحق اجرتی که تا این مرحله در قرارداد تعیین شده، می‌باشد که از محل مبلغی که پدر ژنتیکی نزد مرکز تودیع کرده است، وصول می‌کند و مرکز مابقی را به پدر مسترد می‌دارد.

قابل توجه است که مادر جانشین، استحقاق دریافت هزینه‌های گوناگونی را که متحمل شده است، دارد که آن‌ها را نیز از محل وجوه تودیعی وصول می‌نماید، حتی در موردی که جانش به واسطه بارداری در خطر است و به همین دلیل خودش قرارداد را فسخ می‌کند، علاوه بر اجرت موصوف همچنان مستحق دریافت هزینه‌های فوق‌الذکر تا مرحله‌ای که قرارداد فسخ شده است، می‌باشد و نمی‌توان همانند مرحله پیش از انتقال جنین به این دلیل که انحلال قرارداد منتسب به اوست و سوءاستفاده از حق را به دنبال دارد، او را محق ندانست، چراکه در مرحله پس از انتقال جنین، فرض سوءاستفاده از حق منتفی است، بلکه قرارداد در صورت وجود خطر جانی است که از جانب او قابل فسخ می‌باشد، در حالی که بحث وجود خطر جانی در مرحله پیش از انتقال جنین اساساً مطرح نیست و قرارداد در آن مرحله، از حیث جادزبودن قابل فسخ است و بالتبع، اینکه پس از فسخ او را همچنان مستحق هزینه‌های مذکور بدانیم با سوءاستفاده از حق ملازمه دارد که اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۱۳۲ قانون مدنی، مانع از استحقاق او نسبت به هزینه‌های مزبور می‌شود (۲۶).

۴-۲. آثار ناشی از انحلال قهری قرارداد: در این مرحله، در هر موردی که خارج از چارچوب موارد سقط درمانی مانند فوت مادر جانشین سقط جنین صورت گیرد، قرارداد جانشینی در بارداری منفسخ می‌گردد که توضیح بیشتر در این مجال نمی‌گنجد. آثار ناشی از انفساخ قرارداد جانشینی در بارداری به دلیل مشارالیه از این قرار است که در نتیجه انفساخ قرارداد، مرکز بابت آن میزان از تعهداتی که ایفا نموده و اقداماتی که تا زمان سقط جنین (انفساخ قرارداد) انجام داده، مستحق عوض (اجرت‌المثل) است، چراکه اولاً سقط جنین و بالتبع، انحلال قرارداد منتسب به مرکز نیست؛ ثانیاً حتی سقط جنین در ید مرکز صورت نگرفته، بلکه بعد از اینکه جنین به مادر جانشین منتقل شده، اتفاق افتاده است؛ ثالثاً طرفین دیگر قرارداد جانشینی در بارداری به هدف اصلی خود، یعنی انتقال جنین به رحم مادر جانشین دست یافته‌اند، حال که جنین در حین بارداری مادر جایگزین، سقط می‌شود، نباید در استحقاق مرکز بابت تعهداتی که تا زمان انفساخ قرارداد انجام داده است، تأثیری داشته باشد (۲۷).

همچنین مادر جانشین از حیث تعهداتی که تا زمان سقط جنین (انفساخ قرارداد) انجام داده و به تناسب مرحله‌ای که انفساخ در آن اتفاق افتاده است، مستحق اجرتی که تا این مرحله در قرارداد تعیین شده است، می‌باشد، مضافاً اینکه مادر جانشین، استحقاق دریافت هزینه‌های گوناگونی را که متحمل شده است، دارد که همگی این موارد یعنی هزینه‌های مطروحه و همچنین اجرت قراردادی را می‌تواند از محل وجوهی که پدر ژنتیکی نزد مرکز تودیع نموده است، وصول نماید و مرکز مابقی آن را به پدر مسترد می‌دارد، زیرا درست است که جنین در زمانی که به رحم مادر جانشین منتقل شده و تحت اختیار او بوده، سقط شده است، ولی اصلاً نمی‌توان سبب سقط جنین و بالتبع انفساخ قرارداد را منتسب به اراده او کرد. به همین دلیل، اساساً بحث سوءاستفاده مطرح نمی‌شود، مگر اینکه خودش به صورت ارادی سقط کرده باشد که در این حالت، نمی توان او را مستحق دانست (۲۸).

نتیجه‌گیری

آثار ناشی از فسخ و انفساخ قرارداد جانشینی در بارداری، چه در مرحله پیش از انتقال جنین و چه پس از آن، تا حدودی همسو با قواعد عمومی قراردادهاست، بدین صورت که در مرحله پیش از انتقال جنین با انحلال قرارداد، مرکز تا آن میزان از تعهداتی که تا زمان انحلال قرارداد ایفا نموده، مستحق عوض (اجرت‌المثل) است، مگر در مواردی که انحلال قرارداد منتسب به مرکز باشد.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

همچنین مادر جانشین نیز مستحق دریافت هزینه‌های گوناگونی که متحمل شده است، از قبیل درآمد از دست‌رفته خود به علت عدم حضور در محل کار و... می‌باشد، مگر در مواردی که انحلال قرارداد منتسب به اراده مادر جانشین یا همسرش باشد، اما در نقطه مقابل، مرکز در مرحله پیش از انتقال جنین، نظر به مال‌انگاشتن گامت‌ها یا جنین آزمایشگاهی تا جایی که امکان دارد آن‌ها را به صاحبان حق سلطه (والدین ژنتیکی) مسترد می‌نماید، مگر در مواردی که با مانع اخلاقی مواجه باشد که در این صورت، مرکز باید تسبت به معدوم‌کردن آن‌ها اقدام یا اینکه می‌تواند از آن‌ها برای کارهای پژوهشی و... در صورت تصریح در قرارداد استفاده کند. مطلب اخیر حاکی از عدم انطباق قرارداد با قواعد عمومی است.

در مرحله پس از انتقال جنین نیز علاوه بر استحقاق مرکز بر اجرت‌المثل اقدامات خود، مادر جانشین مستحق دریافت هزینه‌های فوق‌الذکر است و همچنین نظر به مرحله‌بندی تعهدات او در قرارداد، مستحق اجرت قراردادی خود بابت آن میزان از تعهداتی که تا زمان انحلال به موجب قرارداد ایفا نموده است، خواهد بود. در این مرحله، انحلال قرارداد با سقط جنین ملازمه دارد و به عنوان نمونه، فسخ قرارداد با رضایت دادن ذی‌حق (حسب مورد مادر ژنتیکی یا مادر جانشین) به سقط جنین در موارد سقط درمانی و از بین‌بردن موضوع قرارداد اتفاق می‌افتد که این امر فقط مخصوص قراردادهای باروری آزمایشگاهی از جمله قرارداد جانشینی در بارداری است، در نتیجه قرارداد مزبور از این نظر نیز در مرحله پس از انتقال جنین انطباقی با قواعد عمومی قراردادها ندارد. سرانجام می‌توان مطرح کرد که آثار ناشی از انحلال قرارداد جانشینی در بارداری در مرحله پس از انتقال جنین تابعیت محدودتری نسبت به مرحله پیش از انتقال خواهد داشت، چراکه استرداد جنین انتقال‌یافته به رحم در این مرحله، برخلاف مرحله پیش از انتقال اساساً منتفی است.

مشارکت نویسندگان

سمانه فخرالدین تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

References

1. Ghafi H, Saeed SH. Principles of applied jurisprudence. Tehran: Publications of the Research Center of the Hoze and University: 2017; Vol.1 p.113. [Persian]

2. Safari M, Shahini MR. Natural Termination of Surrogacy Contract. Medical Law Journal. 2021; 15(56): e16. [Persian]

3. Baradaran D. Necessity and permissibility of contracts from the point of view of legal definition haghi or judgment. Journal of Legal Research. 2012; 15(58): 411-452. [Persian]

4. Androno R. Human dignity in the light of international biomedical law. Translated by Saed MJ. Medical Law Quarterly. 2007; 1(1): 95-112. [Persian]

5. Malihi SHR. Causes of dissolution in surrogacy contract. Research Letter of Social Jurisprudence (Interdisciplinary Researches in Jurisprudence/ Researches In Jurisprudence). 2002; 1(1): 135-153. [Persian]

6. Nazari Tavakoli S, Rezaee R, Zargaran T. The Feasibility of Surrogacy contract Termination by each of parties. Jurisprudence and the Fundaments of the Islamic Law. 2017; 50(1): 215-233. [Persian]

7. Yadollahi Baghlooi A, Asedinejad SM. The Examination of the Essential Terms of Validity of Surrogacy Agreement in Civil Law and Emamieh Jurisprudence. Medical Fighh Quarterly. 2012; 3-4(9-10): 131-163. [Persian]

8. Samadi Ahari MH. Rights and Duties of the Children Born from Embryo Donation. International Legal Research. 2013; 5(18): 113-138. [Persian]

9. Seify Ghareyataq D, Khojaste Mah Siyah K, Dehbashi Z. Legal Principles and Rules of Alimony of Cloned Child. MLJ. 2016; 10(37): 123-148. [Persian]

10. Asadinejad M, Yadollahi Baghlouee A, Asadinejad M. The Examination of Conflict between the Surrogacy Agreement and the Provision of Woman Obedience in Iranian Law. Iran J Forensic Med. 2013; 19(4): 233-238. [Persian]

11. Aramesh K. Ethical review of monetary relationship in surrogacy. A collection of articles examining surrogacy from a medical, legal, jurisprudential, moral, philosophical, psychological and sociological point of view. Tehran: Samt Publications; 2007. Vol.1 p.233. [Persian]

12. Emami A. Legal status of artificial insemination and embryo transfer. A collection of articles on modern methods of human reproduction from the point of view of Feghh and law. Tehran: Samt Publications; 2003. Vol.2 p.144. [Persian]

13. Bagheri Nasab T. Surrogate uterus in the treatment of infertility from a medical-juristic and legal point of view. Tehran: Jangal Publications; 2012. Vol.1 p.84. [Persian]

14. Safai H, Rahimi H. Civil liability (requirements outside the contract). Tehran: Samt Publications; 2017. Vol.1 p.184. [Persian]

15. Safari M, Shahini M. The effects of dissolving the surrogacy contracts. Legal Research Qurterly. 2020; 23(89): 85-107. [Persian]

16. Alizadeh M. The effects of the surrogate contract. Criminal Law Doctrines. 2009; 6(12): 167-188. [Persian]

17. Alizadeh M. Jurisprudential Study of Using an Alternative Womb. Criminal Law Doctrines. 2006; 2(19): 181-199. [Persian]

18. Ghasemzadeh SM. Surrogacy Contracts in the Iranian Law. Journal of Reproduction and Infertility. 2008; 9(2); 182-194. [Persian]

19. Rahimizadeh K. Contract to use a surrogate womb from the perspective of the principle of sovereignty of will. Master's thesis in private law. Tehran: Shahid Beheshti University; 2018. p.39. [Persian]

20. Prtovi R. Relationship’s surrounding surrogacy contract and critical analysis of Iran's legal approach in the light of comparative experiences. Master's Thesis in Private Law. Tehran: Shahid Beheshti University; 2016. p.133. [Persian]

21. Aghayi A. Examining the position of the institution of renting womb in Iranian Feghh and law. Master's Thesis in Private Law. Tehran: Faculty of Theology, Payam Noor University; 2010. p.112. [Persian]

22. Javidi Al Saadi F. Legal review of embryo transfer contract. Master's Thesis in Private Law. Tehran: Faculty of Law, Shahid Beheshti University; 2015. p.61. [Persian]

23. Rezaei P. Artificial insemination from the perspective of Iranian criminal law. Master's Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran: Payam Noor University of Tehran; 2010. p.102. [Persian]

24. Salehi HR. Legal Nature of Surrogacy Contracts. Medical Figh Quarterly. 2013; 4-5(13-14): 29-55. [Persian]

25. Safar M. Lessons from family law. Tehran: Beh Nashr Publications; 2013. Vol.3 p.294. [Persian]

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

26. Abbasi F. Investigation of gamete donation, embryo and uterus rental in Feghh and law considering medical ethics. Master's Thesis in Private Law. Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 2010. p.122. [Persian]

27. Fayzolahi N. Embryo donation in Iranian law and other legal systems. Ph.D. Thesis. Tehran: Faculty of Law, Shahid Beheshti University; 2010. p.281. [Persian]

28. Yarali B. Investigation of surrogacy in Iranian law. Master's thesis in private law. Sabzevar: Faculty of Theology and Islamic Studies, Sabzevar Teacher Training University; 2011. p.109. [Persian]

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.